

تحلیل و واکاوی اغراض بلاغی ندا و منادا در تاریخ و صّاف

زیبا آژیر، برات محمدی*، عباس باقی نژاد

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

سال هجدهم، شماره اول، فروردین ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۱۹، صص ۱۹-۱
<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8067>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: بلاغت ندا و منادا از جمله ابزارهای مؤثر زبانی در ایجاد تنوع معنایی و القای اغراض ثانویه در متون ادبی به‌شمار می‌آید. تاریخ و صّاف بعنوان یکی از شاخصترین نمونه‌های نثر مصنوع و متکلف دوره ایلخانی، بستری مناسب برای بررسی کارکردهای بلاغی این ساخت زبانی فراهم میسازد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل شیوه‌های کاربرد ندا و منادا و تبیین اغراض ثانویه بلاغی آن در تاریخ و صّاف است.

روش پژوهش: این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از طریق سندکاوی و استخراج نمونه‌های ندا و منادا از متن چهار جلد تاریخ و صّاف گردآوری و سپس با تکیه بر مبانی بلاغت کلاسیک تحلیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که و صّاف‌الحضره آگاهانه و هدفمند از شگردهای بلاغی در سراسر اثر خود بهره برده و ندا و منادا را در راستای تقویت جنبه‌های عاطفی و اقناعی متن به کار گرفته است. کاربرد صریح حرف ندا در بسیاری از موارد، افزون بر ایجاد اطناب و هماهنگی با سبک متکلف و سنتی نثر دوره ایلخانی، امکان انتقال مستقیم عواطف نویسنده و برجسته‌سازی مقاصد معنایی مورد نظر او را فراهم کرده است.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش حاکی از آن است که ندا و منادا در تاریخ و صّاف کارکردهایی متنوع چون اطلاع‌رسانی و گزارش، درخواست و خواهش، توبیخ و سرزنش، ابراز شادمانی و بُمن، تشویق، ترغیب و اغتنام فرصت را بر عهده دارند. همچنین، و صّاف با تقدیم و تأخیر آگاهانه ندا و منادا در ساخت جمله، بدنمال تأکید معنایی و القای بار عاطفی خاص بوده و از این طریق، نقش بلاغی این ساخت زبانی را در پیشبرد مقاصد گفتمانی خود تقویت کرده است.

تاریخ دریافت: ۰۶ مهر ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۰۷ آبان ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۲۲ آبان ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۰۶ دی ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

تاریخ و صّاف، و صّاف شیرازی، بلاغت، اغراض ثانویه ندا و منادا.

* نویسنده مسئول:

barat.mohammadi@iau.ac.ir

۳۱۸۰۳۰۰۰ (۹۸ ۴۴) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the Rhetorical Purposes of the Call and the Manaada in Tarikh-e Vassaf

Z. Azhir, B. Mohammadi*, A. Baghinejad

Department of Persian Language and Literature, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 28 September 2025

Reviewed: 29 October 2025

Revised: 13 November 2025

Accepted: 27 December 2025

KEYWORDS

Tarikh-e Vassaf. Wassaf Shirazi.
Rhetoric. Secondary purposes of
the call and the callee.

*Corresponding Author

✉ barat.mohammadi@iau.ac.ir

☎ (+98 44) 31803000

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The rhetoric of the call and the manaada is considered one of the effective linguistic tools in creating semantic diversity and inducing secondary purposes in literary texts. Tarikh-e Vassaf, as one of the most prominent examples of fabricated and commissioned prose of the Ilkhanid period, provides a suitable context for examining the rhetorical functions of this linguistic structure. The aim of the present study is to analyze the methods of using the call and the manaada and explain its secondary rhetorical purposes in Tarikh-e Vassaf.

METHODOLOGY: This study was conducted in a descriptive-analytical manner and based on library studies. The data were collected through document analysis and extraction of examples of the call and the manaada from the text of four volumes of Tarikh-e Vassaf and then analyzed based on the principles of classical rhetoric.

FINDINGS: The research findings show that Wassaf al-Hadra consciously and purposefully used rhetorical techniques throughout his work and used the call and the manaada to enhance the emotional and persuasive aspects of the text. The explicit use of the word call in many cases, in addition to creating a sense of urgency and harmony with the traditional and formal style of Ilkhanid prose, has enabled the direct transmission of the author's emotions and highlighting his intended semantic intentions.

CONCLUSION: The research results indicate that in Wassaf's history, the call and the manaada have various functions such as informing and reporting, requesting and requesting, reprimanding and blaming, expressing happiness and gratitude, encouraging, persuading, and seizing the opportunity. Also, by consciously presenting and delaying the call and the manaada in the construction of the sentence, Wassaf sought to emphasize the meaning and instill a special emotional charge, and in this way, he strengthened the rhetorical role of this linguistic structure in advancing his discursive purposes.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8067>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 1	 2

مقدمه

مبحث «ندا» علاوه بر آنکه بعنوان یک نقش نحوی در علم دستور زبان مورد توجه قرار گرفته است، یکی از مباحث مهم علم معانی و بلاغت کلام نیز بحساب می‌آید چرا که میتواند هدف تأثیرگذاری بر مخاطب، اغراض گوناگونی را منتقل نماید. علم معانی که از شاخه‌های علم بلاغت اسلامی است عبارت است از «علم به اصول و قواعدی که به یاری آنها کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته میشود» (همایی، ۱۳۷۳: ص ۸۸). در علم معانی، مباحث گوناگونی از جمله خبر، انشا و اغراض ثانویه کلام، ایجاز، اطناب، تقدیم و تأخیر کلمات مورد توجه قرار می‌گیرد. عبدالقاهر جرجانی بیان میکند: «فصاحت و بلاغت، عبارت از نوعی نظم و ترتیب و قسمی تالیف و ترکیب است، نوعی ریخته‌گری و صورت نگاری است، نوعی یافتن و آراستن و رنگ آمیزی است... خصوصیتی است در کیفیت نظم کلمات و طریقه‌ای است مخصوص در ضمّ کلمات به یکدیگر» (جرجانی، ۱۳۸۳: صص ۳۸ - ۳۹). یکی از معیارهای کلام بلیغ، میزان تأثیرگذاری آن بر مخاطب است و آنچه که سبب بلاغت کلام میگردد، قرار گرفتن کلمات در محل و مقام مناسب خود است. بلاغت فارسی در متون تاریخی مانند تاریخ و صَاف که هدف اصلی آن ادبیات کلام است، بسیار حائز اهمیت است. یکی از اجزاء مهم بلاغت در این اثر ارزنده ادبی - تاریخی، ندا و منادا است. عنصری که شیوه روایت‌پردازی نویسنده و نوع مواجهه او با مخاطب را بخوبی نشان داده است. تاریخ و صَاف با نام اصلی «تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار» اثر عبدالله بن فضل شیرازی ملقب به «وصّاف الحضرة» از جمله کتب حائز اهمیت مشتمل بر تاریخ دوران ایلخانان مغول است که به جهت نثر ادبی آن که از نمونه‌های اعلای نثر فنی و متکلف در زبان فارسی است و جزء سخت‌خوانترین متون فارسی نیز بحساب می‌آید (ر.ک بهار، ۱۳۵۶: ۳ / ص ۱۰۰). تاریخ و صَاف با آنکه جزء متون دشوار با انشای سخت است (ر.ک رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۸) اما حضور جملات ندایی در آراستگی این اثر و تبدیل لحن آن به لحن لطیف زیبا و شاعرانه بسیار تأثیر گذاشته است و این جملات ندایی یا انشای طلبی با اغراض و اهداف گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. لذا در این جستار با هدف تحلیل و بررسی بلاغی ندا و منادا و اغراض ثانویه آن از منظر علم معانی نثر شاعرانه تاریخ و صَاف مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت تا به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که اغراض ثانویه ندا و منادا در تاریخ و صَاف کدام است؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

تاریخ و صَاف از برجسته‌ترین کتب تاریخی - ادبی زبان فارسی است و درک سازوکارهای بلاغی آن، بدون واکاوی شگردهای خطابی چون ندا و منادا، ناقص و ناکارآمده است. تحلیل این عنصر میتواند بخشی دیگر از جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و ادبی این اثر ارزشمند از دوران تاریخ مغول را نشان داده و خوانشی تازه از منظر بلاغی در آن فراهم آورد.

نوآوری پژوهش

صاحب نظران و پژوهشگران مختلفی تاکنون سعی کرده‌اند هر یک به نحوی زوایایی از تاریخ و صَاف را تحلیل و واکاوی نمایند؛ با وجود این تاکنون به عنصر ندا و منادا و خطاب و سهم آن در بلاغت و برانگیزاندگی جملات این اثر تاریخی - ادبی اشاره نشده است. در این جستار سعی بر آن است که تا حد امکان به نقش این عنصر مهم در کتاب تاریخ و صَاف بپردازیم.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های بعمل آمده تاکنون پژوهشی با عنوان جستار پیش رو منتشر نشده است؛ اما در خصوص تاریخ

وصاف و مبحث ندا و منادا بصورت جداگانه، مقالات علمی معتبری تا کنون منشر شده است که میتوان از میان آنها به اهم موارد زیر اشاره نمود: محمودی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی کاربرد استعاره در تاریخ وصاف» توجه ویژه نویسنده تاریخ وصاف به عنصر خیال استعاره را بررسی و تحلیل کرده و این عنصر را عامل اصلی ابهام آفرینی در تاریخ وصاف دانسته است. قاسم‌زاده و حاتمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بینامتنی مختصات ادبی نثر تاریخ جهانگشا و تاریخ وصاف» به تأثیر پذیریه‌های محتوایی و ادبی و صاف‌ال‌حضره از تاریخ جهانگشای جوینی توجه نموده‌اند. اختیاری و محمودی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تازگیهای تصویرهای تشبیهی در تاریخ وصاف» به تحلیل انواع تشبیهات در این اثر تاریخی ادبی پرداخته‌اند. نیز اختیاری و محمودی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تصویرهای کنایی و کارکردهای آن در تاریخ وصاف» انواع کنایه و تصاویر بلاغی حاصل از آن را در اثر یاد شده بررسی کرده‌اند.

در خصوص پیشینه مطالعات مربوط به ندا و منادا در بلاغت فارسی، محمدی کیش (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی جملات ندایی در مثنوی اسرارالشهود اسیری لاهیجی» از میان یکصد و یازده جمله مورد بررسی در مثنوی اسرارالشهود به این نتیجه رسیده که منادا در این اثر بیشتر افاده تعجب، افسوس یا بیان آرزو داشته است.

آذر حزین و میلادی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه کارکرد بلاغی ندا در اسرار التوحید و مقامات ژنده پیل بر مبنای فرانش اندیشگانی» نشان داده‌اند که رابطه‌ای معنی‌دار میان معانی ثانویه کلام در جملات پر از حروف ندا وجود دارد. محمدی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «نقد و بررسی ندا در بلاغت فارسی و عربی» به بررسی و تحلیل وجوه تفاوت مبحث ندا در بلاغت فارسی و عربی پرداخته‌اند. آقاسینی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «جایگاه ندا و منادا در دستور زبان فارسی و علم معانی» اقسام ندا را با توجه به دستور زبان فارسی مورد بررسی قرار داده، سپس با توجه به اغراض ثانویه و بار معنایی هر کدام از حروف ندا و منادا در فارسی به تحلیل آنها پرداخته است. شمشیرگرها (۱۳۹۱) در مقاله «عنصر خطاب در غزل سعدی» ضمن بررسی مخاطبه‌های سعدی در غزل، به این نتیجه رسیده است که القاء حس حضور و برانگیختگی مخاطب اصلیت‌ترین دلیل بهره‌گیری از عنصر خطاب در غزلیات سعدی است. عرب و مدرسی (۱۳۹۱) در مقاله «بلاغت نثر صوفیانه در تمهیدات عین‌القضات» نشان داده‌اند که عین‌القضات با بهره‌گیری از عنصر خطاب بجهت انتقال مفاهیم عرفانی بهره بگیرد و نه تنها از جملات ندایی بلکه از جملات امری و افعالی مانند بدان، برخوان و... جهت خطاب بهره گرفته است.

روش مطالعه: روش پژوهش در این مقاله، کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی است. در قسمت بررسی کمی شواهد مثال، نتایج حاصل از بررسی و تحلیل آماری و نموداری جملات ندایی و عناصر خطابی در قالب نمودار ارائه خواهد شد. جهت دستیابی به نتایج، چهارجلد از کتاب تاریخ وصاف به کوشش احمد خاتمی بصورت گزینشی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مفاهیم نظری

ندا و منادا در دستور زبان: ندا و منادا یا عبارتهای ندایی از جمله عواملی هستند که نقش اصلی آنها توجه و تأکید بر پیام، در جهتگیری درونمایه آن بسوی مخاطب است. «ساختهای ندایی یا امری بارزترین نمونه‌های نقش ترغیبی زبان هستند» (صفوی، ۱۳۹۴: ۱/۳۵). جملات ندایی جملاتی هستند که پس از حرف ندا ذکر میشوند. «ندا حرفی است که برای مخاطب قرار دادن منادا بکار می‌رود. در ادبیات فارسی حرف ندا غالباً ای است، اما گاهی بصورت یا و نیز در آخر منادا بصورت الف متصل قرار می‌گیرد و گاه بصورت عربی ای بیان میشود. ندا همواره مذکور

نیست و گاهی منادا بدون حرف ندا بیان میشود» (انوری و گیوی، ۱۳۷۵: ص ۱۱۹). در کتب دستوری، منادا حالت‌های اسم را میپذیرد و حرف ندا نیز زیر مجموعه حروف طبقه‌بندی میشود (ر.ک خیامپور، ۱۳۸۴: ص ۱۲۶). قریب برای اسم چهار حالت را ذکر کرده است از جمله حالت فاعلی، مفعولی، اضافی و ندا و در خصوص جملات ندایی میگوید: «حالت ندا آن است که اسم منادا واقع شود. خدایا، شاه، بزرگوارا، خردمندا، خداوندگارا. علامت ندا الفی است که به آخر اسم افزایند [و گاه بدون علامت باشد]» (قریب، ۱۳۷۸: ص ۵۷). بر طبق کتب دستوری همانگونه که اسم میتواند نقش دستوری بپذیرد و مفعول یا مسندالیه و متمم و قید و... شود، میتواند نقش منادا را هم بپذیرد. منادا در حقیقت مخاطب دوم شخصی است که مورد خطاب قرار میگیرد هر چند این خطاب به سمت خودمان نیز باشد مثلاً فردی به خودش میگوید: ای بدبخت! در ساخت بعضی از شبه جملات، حروفی شبیه حروف ندا بکار رفته است. خطیب رهبر در شرح ای سبحان الله در تاریخ بیهقی، این ترکیب را از اصوات یا شبه جملات میداند. فرشیدورد، ای و پسوند الف را همیشه علامت ندا نمیداند و معتقد است گاهی برای تأکید و تکثیر صوتهای دیگر هم بکار میروند؛ مانند ای دریغ! ای دریغا و ای وای؛ بهر حال چه این حروف ای و پسوند الف را حروف ندا بحساب آوریم و چه حروف بی‌نام جهت تأکید، در ساختمان بعضی شبه جمله‌ها بکار رفته‌اند» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۹۰).

بر اساس آنچه که در کتب دستور زبان فارسی آمده است «منادا اسمی است که مورد ندا قرار میگیرد و نشانه لفظی آن، صوت یا پسوند نداست» (انوری و گیوی، ۱۳۷۵: ص ۱۲۰). منادا در برخی از کتب دستور بعنوان یکی از نقشهای اسم نیز معرفی شده است (ر.ک قریب و همکاران، ۱۳۷۸: ص ۴۴). و گاه نیز این بحث در شبه جمله‌ها مطرح شده است (ر.ک ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ص ۷۷). در برخی از کتب دستوری نیز جزء حروف بررسی شده است (ر.ک شریعت، ۱۳۷۵: ص ۳۳۱؛ خیامپور، ۱۳۸۴: ص ۱۲۶).

ندا و منادا از نظر علم بلاغت و معانی: علم معانی، از شاخه‌های اصلی بلاغت است که با بررسی کلام، مقتضای آن را با حال مخاطب مورد توجه قرار میدهد. «کلام از دیدگاه علم معانی به خبر و انشا تقسیم میشود. بر این اساس، چنانکه خبر و جمله‌ای بدانیم که ذات آن احتمال صدق و کذب دارد و عبارتی دیگر بتوان راست یا دروغ آن را سنجید، انشاء کلامی است که بذات محتمل صدق و کذب نیست و چون از واقعه‌ای در خارج خبر نمیدهد، نمیتوان آنرا دروغ یا راست دانست. بطور کلی انشاء به و گونه‌طلبی و غیر طلبی تقسیم میشود: انشاء‌طلبی آن است که بر طلب امری دلالت کند؛ در این حالت مطلوب برای متکلم حاصل نیست. در بیشتر منابع بلاغی انشاء‌طلبی در پنج قسم تمنا، استفهام، امر، نهی و ندا بررسی میشود» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۸۶).

ندا را طلب از مخاطب دانسته‌اند و به همین علت آن را جزء انشای طلبی ذکر نموده‌اند (ر.ک شفایی، ۱۳۶۳: ص ۸۹). «ندا مقاصد و اغراض بلاغی خاصی دارد که در کتابهایی از قبیل التلخیص مطول، مختصر، هنجار گفتار، معالم البلاغه، درالادب از این معانی ثانوی با تعبیرهای تستعمل صیغه فی غیر معناه یاد شده در کتابهایی نظیر طراز سخن، معانی و بیان علوی مقدم و اشرف‌زاده اینگونه آمده است که: «در ندا گاه مقاصد بلاغی و اغراض خاصی دیده میشود و مانند سایر اقسام جمله برای بافت کلام و جملات پس از ندا، معانی مجازی و مقاصد ثانویه مختلفی مثل بیان تحسّر و اندوه، بین تعجب و ملامت ذکر کرده‌اند. با حرف ندا توجه مخاطب را طلب میکنیم و ندا در همه جملات دیده میشود، اما ندا معمولاً در جملات پرسشی و امری است» (آذرحدید و میلادی، ۱۳۹۸: ص ۷). نوع خطابهای یک شاعر در جملات ندایی، دریچه مهمی برای فهم دیدگاه‌ها و جهانبینی شاعر در برابر دیدگان خواننده

میگشاید. «شاعر بسته به اهمیت امری، آن را مورد خطاب قرار میدهد و با او سر سخن را باز میکند. مخاطب قرار دادن کسی، همراه است با گفتگو و طرف خطاب واقع شدن» (امیرخانلو، ۱۳۹۷: ص ۴۵).
 با بررسی کتب بلاغت فارسی آنچه که بصورت مسلم بدست می‌آید آن است که، مبحث ندا و منادا بر اساس قاعده دستوری استوار نیست و جزء انشا طلبی بحساب می‌آید و برای آن اغراض و معانی ثانویه‌ای در نظر گرفته شده است. رجایی در کتاب معالم البلاغه برای منادا اغراض ثانویه‌ای را بدین ترتیب ذکر کرده است:
 اغراء: «اغراء الزام و تنبیه مخاطب است بر توجه به امری که مستحسن و پسندیده باشد. مثل اینکه مظلومی به تو رو آورد و تظلم کند گویی یا مظلوم که حاصل آن تحریص و اغرای اوست بر زیادت تظلم و شکایت» (رجایی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۰).

ندبه: «آن اعلان منفجع است؛ کسی که بر اثر فقدان شخصی یا چیزی، بواسطه موت یا غیبت آن بواسطه پیش آمدن امر فجیع و حادثه ناگواری، متألم و متأثر شده باشد؛ تألم و تحسر خود را به خواندن اسم منفجع علیه که آن را مندوب گویند و وا از ادات مختص به آن است چون وا محمده» (همان: ص ۱۶۰).
 استغاثه: «استغاثه، خواندن کسی است برای فریادرسی مانند ای مسلمانان» (همان: ص ۱۶۱). مورد دیگر بیان تعجب است یا تعظیم مخاطب مانند «چشم بدت دور ای بدیع شمایل» که هدف از ندا در این عبارت، تعظیم و تحبیب مناداست.

چنانکه گفتیم در بیشتر کتب بلاغی مانند «هنجار گفتار» و «طراز سخن» و کتب معانی و بیان، منادا جزء جملات «انشاء طلبی» محسوب میشود. «انشاء طلبی، سخنی است که چیزی را بخواهد که مضمون آن هنوز در خارج محقق و یا حاصل نشده است و محتمل صدق و کذب نیز نباشد. انشاء طلبی نوعی انشاء کلامی است و در عالم بلاغت بررسی میشود» (علوی‌مقدم و اشرافزاده، ۱۳۸۷: ص ۵۸). طلب در معنی فراخوان در اصطلاح آن است کسی را فرا بخوانند و سعی نمایند توجه او را به سمت خویش جلب نمایند (ر.ک همان: ص ۶۶). در یک جمع‌بندی کلی میتوان گفت: «ندا جزء انواع انشاء طلبی است که برای آن هشت نوع کاربرد میتوان برشمرد که از این قرارند: اغرا [بوسیله ندا کسی را به امری برمی‌انگیزیم]، تحسر و توجع [ندا وسیله بیان حسرتها و دردهاست]، تذکر و یادآوری، استغاثه و فریادخواهی، تعجب و شگفتی، تعظیم، تحقیر، تمنا و ترجی» (همان: صص ۶۷-۶۱).

جدول شماره (۱) اغراض بلاغی ندا و منادا (منبع: محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۲۰۰)

نام اثر	اغراض بلاغی
مختصرالمعانی (تفتازانی)	اغراء. استغاثه. تعجب. حسرت
جواهرالبلاغه (هاشمی)	اغراء. استغاثه. ندبه. تعجب. تحسر. دردمندی. تذکر. حیرت
معانی و بیان (تجلیل)	اغراء. تحسر. تواضع. تحذیر. دعا. نفرین.
معالم البلاغه (رجایی)	اغراء. ندبه. استغاثه. تعجب. حیرت. حسرت. درد و اندوه.
اصول بلاغت (علوی مقدم و انزایی نژاد)	تعجب. تحریک. تحذیر. اغتنام. ترغیب. مدح. همدردی. تحسین. افسوس و...

درباره تاریخ و صاف

کتاب «تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار» معروف به «تاریخ و صاف الحضرة» یا «تاریخ و صاف» از جمله کتب برجسته و حائز اهمیت نثر فنی است که «شهاب الدین یا شرف الدین عبدالله شیرازی» ولادت (۶۶۲ هـ. ق). ملقب به «وصاف الحضرة» و معروف به «وصاف» آن را بنگارش در آورده است. کتاب تاریخ و صاف، را نویسنده آن، ذیلی بر کتاب تاریخ جهانگشای جوینی میدانند. این کتاب وقایع حکومت ایلخانان مغول را در حوالی سالهای ۶۵۶ هـ. ق تا سال ۷۲۸ هـ. ق بتصویر کشیده است. نویسنده هدف اصلی خود را از تحریر این تاریخ، نشان دادن هنر نویسندگی خویش میدانند و تاریخ نگاری را فرعی بر این هنر (ر.ک. و صاف، ۱۴۰۱: ۱/ ص ۱۴۷). تاریخ و صاف را بدلیل توجه بیش از حد نویسنده آن به تصنع و صنعت پردازی بجهت تزیین کلام، جزء نمونه‌های اعلائی نثر مغلق، فنی و مصنوع بحساب آورده‌اند (ر.ک. صفا، ۱۴۰۱: ۳/ ص ۱۲۶۱؛ رستگارفسائی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۸؛ همایی، ۱۳۹۱: ص ۱۰). در ذکر اهمیت کتاب تاریخ و صاف و جایگاه نویسنده آن در میان تاریخ نگاران عصر مغول آمده است: «وصاف مورخی است که ضمن توجه به تاریخ مغول و ایلخانان تا پایان عهد ایلخانی، در ثبت تجارب زیسته و شرایط حاکم بر جامعه سنتی عصر خویش تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و محدودیتهای ناشی از نبود و سعی در واقع نویسی داشته است. زندگی و صاف در ایالت فارس، تعلق خاطر او به خاندان اتابکی، برخورداری از تجارب عملی و پیشینه اجرایی و سبک متکلف و مصنوع در نگارش موجب شده است که او را در مواردی با برداشتهای متفاوت با آنچه در دستور کار مورخان چون رشیدالدین و مستوفی بوده است به تحولات بپردازد» (رضوی و هژبریان، ۱۴۰۰: ص ۱۵۰). «تاریخ و صاف را بایست ذیلی بر جهانگشای جوینی دانست؛ با همه گرایش و علاقه و صاف الحضرة به نثر جوینی، اختلافاتی در نحوه ادای مطالب بین آن دو وجود دارد که این وجوه اختلاف، مبین جنبه رقابتی و صاف الحضرة با مؤلفاتی چون جوینی در نگارش تاریخ خویش است» (قاسم‌زاده و حاتمی، ۱۳۹۰: ص ۸۰).

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تقدیم و تأخیر ندا و منادا: امکانات نحوی بویژه کاربرد تقدیمی یا تأخیری کلام در نثر بسیار حائز اهمیت است. تقدیم و تأخیر کلام، یکی از شگردهای هنری است که هنرمند اعم از شاعر یا نویسنده میتواند از آن به منظور خارج کردن بافت و اجزای جمله از حالت اصلی و نشان دادن آن جز در جایگاه دیگر جهت افزایش بار بلاغی کلام بهره بجوید. «در ادبیات، در بیان اهمیت جایگاه اجزاء و نحوه چینش آنها در متون ادبی، این مبحث جزء یکی از مهمترین مبانی است که هم عبدالقاهر جرجانی در دلایل الاعجاز و هم هلیدی در تشریح ساخت متنی، آن را مطرح ساخته‌اند. جرجانی در بررسی تقدیم و تأخیر، دو موضع مهم اتخاذ کرده است: نخست موضع نحوی و دوم موضع بلاغی یا زیبایی‌شناسانه. موضوع نحوی، همان قاعده‌مندی شاعر و نویسنده بر مبانی اصول فصاحت است و موضوع بلاغی، سیاق‌مندی ایشان به اقتضای حال و مقام» (محمودی و جباری، ۱۴۰۳: ص ۴۵). عبدالقاهر جرجانی که نظریه نظم را در بلاغت اسلامی بصورت مدون مورد توجه قرار داده بر این عقیده است که تقدیم و تأخیر در ارکان جمله بجز جنبه نحوی، بلحاظ بلاغی نیز حائز اهمیت است. وی آورده است که: «گاه در کلام، جز تقدیم و تأخیر چیزی نیست ولی با همین تقدیم و تأخیر، معنایی اضافی حاصل میگردد که با ترک تقدیم، آن معنی حاصل نمیشود» (جرجانی، ۱۳۸۳: ۲۸۵). بلحاظ سبک‌شناسی، تقدیم و تأخیر، پدیده‌ای سبکی است. «تقدیم و تأخیر پدیده‌ای سبک‌شناسی و یکی از مباحث اصلی نظریه دستور زایا - گشتاری است. علاوه بر این، تقدیم و تأخیر موضوعی بلاغی است و یکی از موضوعات علم معانی بحساب می‌آید. علمای قدیم نیز به این پدیده زایا - گشتاری

توجه کرده‌اند. جرجانی به این سخن سیبویه در باب تقدیم و تأخیر اشاره میکند که گفته است: بدانکه ما کسی از علمای بلاغت را نیافتیم که در باب تقدیم، کلمه‌ای به موضوعی غیر از توجه و اهتمام تکیه کند» (مرادی و کاظمی، ۱۳۹۵: صص ۹۲ - ۹۳). این قابلیت و ویژگی زبانی، در محور همنشینی کلمات انجام میشود اما در نثرهای مانند نثر مصنوع و متکلف و نثر فنی، بسیاری از مؤلفه‌ها و گزینه‌هایی چون رعایت صناعت ادبی و... همگی در تغییر تقدیم و تأخیر کلام مؤثر هستند. در مسأله جایگاه ندا و منادا در تاریخ و صاف نکته حائز اهمیت، بار عاطفی و احساسی کلام است که سبب شده است برخی سازه‌ها پیش از ندا و منادا بیابند و تأکید بر ندا و منادا به این صورت مورد توجه قرار گیرد. در تاریخ و صاف، عاطفه نویسنده آنگاه که متن را به سمت و سوی جنبه‌های شاعرانه نزدیک میکند، بعنوان نمونه برای اظهار همدردی و تأکید بر خطاب جمله را پیش از ندا آورده است:

«با خامه ز روی دلنوازی گفتم ای مفسر، آیات ضمائر و ترجمان لغات سرایر، ای چمن پیرای حدیقه معانی و نقشبند کارگاه مانی» (۱/ ص ۹).

در نمونه مذکور، نویسنده جمله «با خامه ز روی دلنوازی گفتم» را جهت تأکید بر اظهار همدردی و دلالت موضوعی پیش از حرف ندا و منادا آورده است، درحالیکه بر سیاق مألوف غالباً ندا و منادا در ابتدا قرار میگیرند:

تا بو که خراب گردم و باز رهم یک لحظه ز جور این زمان ای ساقی
(۲/ ص ۳۴)

در این نمونه نیز نویسنده، جمله دعایی با معنای «تا بو که خراب گردم» را در ابتدای امید و آرزوی پیش از ندا و ندا آورده است تا اهمیت مستی را به ساقی گوشزد کند و از این رو این جمله را مقدم بر ندا و منادا بیان نموده است:

جهان پروفوسوس است ای پرخرد فصوص جهان پر خرد کی خرد؟
(۲/ ص ۱۳۱)

در این مثال نیز نویسنده با لحنی محزون و اندوهگین، مخاطب را فرا میخواند که فریب جهان را نخورد. اهمیت موضوع مکر و نیرنگ روزگار سبب تقدم آن بر ندا و منادا شده است.

ذکر حرف ندا: گرچه زبان همواره بسادگی و کوتاهی گرایش داشته و دارد اما گفتگوی میان راوی و متن در اثری مانند تاریخ و صاف، نویسنده را بر آن می‌دارد تا با بیشترین واژه‌ها مقصود خویش را منتقل نماید. نویسنده این اثر با بکارگیری انواع اطناب در جملات خویش بقصد مبالغه، تأکید یا توضیح، الفاظ را تا حد امکان در زیادترین حالت خود بکار برده است. «هر سخن بمنظور برقرار ارتباط کلامی میان فرستنده پیام و گیرنده پیام، نوع مقاله خویش را طلب میکند» (پورنامداریان، ۱۳۸۷: ص ۱۲). در متنی مانند تاریخ و صاف پرگویی نویسنده را میتوان در جای جای اثر مشاهده نمود. نویسنده تا جاییکه امکان دارد از حشو و زواید بهره جسته است. اطناب در آثاری که از جمله متون نثر فنی، مصنوع یا متکلف محسوب میشوند، پدیده‌ای ساختاری و گفتمانی است که اولاً اقتدار نویسنده را نشان میدهد و دوم در فضای تاریخی، امکان جولان ادبی نویسنده و به رخ کشیدن دانش ادبی او را فراهم می‌آورد. توصیف مفصل فتوحات، اغراق در صفا ممدوح، طولانی ساختن توصیف روایت فتوحات، تقدس‌بخشی به آنچه که نویسنده در شرح آن میکوشد و پیروی از سنت نثر فنی و مصنوع از جمله دلایلی است که سبب شده است نویسنده تاریخ و صاف تا جاییکه امکان دارد، از تلخیص دوری نماید و از این رو حتی در مبحث ندا و منادا شاهد بکار بردن کامل حروف ندا هستیم:

الغیث ای چرخِ دون کو صاحب عالی منش
آنکه می‌سازد نثار از خون دل چشم مَنش
(۱ / ص ۲۴۸)

ای آنکه با لطافت الفاظ عذب تو
تشویر میخورد ز خجالت روان آب
(۱ / ص ۲۴)

گر بی‌هنران قدر هنر هیچ ندانند
ای عقل خجل نیستم آخر که تو دانی
(۱ / ص ۶۴)

«ای یار غار و دوست غمگسار» (۳ / ص ۶۸).

«نیست و هستم ای فلک در کار تو» (۴ / ص ۳۵۱).

روش و شیوه تاریخ و صَاف در اطناب و دراز نویسی تحت تأثیر مستقیم هدف او برای مقدم ساختن اهداف مقاصد لفظی بر معناست. الزام به این شیوه نویسنده را چنان در خود مستغرق داشته که در تمامی موارد مربوط به ندا و منادا، آوردن حرف ندا هم ذیل این مسأله قرار گرفته و پیوسته کوشش کرده است در تمامی موارد حتی جزئی‌ترین امور، درازنویسی را رعایت کند. روشن است که اتخاذ این شیوه سبب میشود که در توصیف امور حرف ندا نیز حذف نگردد:

ای وارث تاج و ملک و افسر سعد
بخشای خدای را به جان و سر سعد
(۲ / ص ۱۹)

هان ای خامه سودایی مزاج تا کی
سلک سالک مجاز باشی
(۲ / ص ۵۹)

نمونه‌ای دیگر:

«سلجوقشاه به بالین مرقد مبارک مرشدی آمد و به یک صدمت دست، صندوق تربت بشکست و دور انداخت و گفت شیخا، کار به تنگ آمد و نام به ننگ بدل» (۲ / ص ۷۲).

منادای ناشناس و نکره: یکی دیگر از ویژگیهای بلاغی ندا و منادا در تاریخ و صَاف، منادای ناشناس یا نکره است. «منادای نکره، یکی از مباحث محوری در دستور زبان عربی است که به دو نوع مقصوده و غیر مقصوده تقسیم میشود. منادای نکره مقصوده، آن است که متکلم، فردی خاص مورد نظر دارد؛ اما برای او شناخته شده نیست. منادای نکره غیر مقصوده، منادایی است که متکلم، فردی خاص را در نظر ندارد، بلکه هر کسی به وی پاسخ دهد مورد نظر اوست. در زبان فارسی این نوع کاربرد منادا متداول نبوده است. البته در شعر قدما ای هر که فراوان دیده میشود که آن نیز صورتی از بلاغت نحوی منادای منکر است (علیزاده و روحی کیاسر، ۱۳۹۹: ۲۹۵). کاربرد منادا بصورت نکره در تاریخ و صَاف دیده میشود:

ای آنکه با لطافت الفاظ عذب تو
تشویر میخورد ز خجالت روان آب
(۱ / ص ۲۴)

ای که جوئی دلیل معرفتش
بچراغ، آفتاب میجویی؟!
(۴ / ص ۲۸۹)

ای آنکه با کمال معالی قدر قدر تو
بر رفته هفت طارم عالی قیاب نیست
(۴ / ص ۴۲)

در تاریخ و صاف منادای ناشناس نکره، در راستای ایجاد ابهام آفرینی^۱ در کلام است. استفاده از ابهام در تاریخ و صاف، زمینه را برای تفنن و تصنع فراهم میکند و با درگیر ساختن مخاطب با متن، خواننده را برای تلاش ذهنی بیشتر با خود همراه میسازد.

اغراض بلاغی

ابراز اندوه، تحسّر و غم: گاه «صیغه ندا در غیر درخواست و روی کردن به کار می‌رود از آن جمله اظهار تحسّر و ابراز غم و اندوه است» (عرفان، ۱۳۸۳: ۲ / ص ۳۴۶). اندوه و تأثر از جمله مقاصد است که نویسنده تاریخ و صاف در برخی از عبارات ندایی مورد توجه قرار داده است. از آنجا که من تاریخ و صاف، از عاطفه بسیار قوی برخوردار است، نویسنده سعی کرده هر جا که فرصتی یافته است، کلام را رنگ و بوی عاطفی ببخشد. شهاب‌الدین فضل‌الله رشیدی تاریخ ایلخانان مغول را در بسیاری از موارد با حدیث نفس چنان آمیخته ساخته است که غمها و ناملایمات، آرزوها و نامرادبها را با اندوه و حسرتی بی‌پایان مورد توجه قرار میدهد. در ذکر تألیف کتاب در آغاز آن آورده است: «دل شوریده حال از یاران قدیم که زمان شدت و رخا، میقات خوف و رجا، جلیس انیس و سمیر ضمیر هم راز دمساز بودند، چون روی صفا و بوی وفا ندید و نشنید و از صحبت ایشان، یکسو کشید و در بیت‌الاحزان سینه سرشک خون از دیده مبارید و زار زار میسرایید:

با هر برآمیختم از من ببرید از غم که هزار آفرین بر غم باد»
(وصاف، ۱ / ص ۹).

بدگویی از جهان فانی، ناپایداری انسان در آن و شکوه از ابناء روزگار، لحن و صاف را در بسیاری از موارد عاطفی و اندوهگین میکند:

«پس ای دل از این حالات و علّت یکی اعتبار گیر و دیده بصیرت باز کن و ترک چندین نهمت و آز بگو» (۲ / ص ۱۴۱).

ای حاصلت از حاصل این روزگار هیچ از روزگار هیچ توقع مدار هیچ
(۳ / ص ۱۵۹)

ای فلک تا کی از جفاهایت چند از این گردش غم افزایش
هیچکس را بجان امان ندهد روز و شبهای عمر فرسایت
(۲ / ص ۴۰)

نویسنده در کتاب خود به بخشی از مشکلات و رنجهای مردم عصر و زمانه خویش اشاره دارد و این اندوه را در قالب خطاب و جملات ندایی نیز مورد توجه قرار میدهد:

«ای نفسی که اغیاری نه یار و دشمن مطلق نه دوستدار، آخر یکی بازپچه ایام را اعتباری نمای و فریب و مغالطات او را شمار کن» (۴ / ص ۵۲).

در تأیید این مطلب آنکه و صاف هر جا که فرصتی پیدا میکند در ذکر حوادث، جنگها و حوادث روزگار، احوال مردم را مورد توجه قرار میدهد چنانکه در خصوص قحطی کرمان و مرگ اهالی آن دیار آورده است:

«کدام صاعقه آتش محنت درین دیار دلفروز برافروخت، به چه یارا صرّ صرّ نواب حذّان و عواطف قهرمان قهر
زمان نهال نشاط این حدیقه انس را از بیخ و بن برآورد، آب این خاک بهشت‌وش بدست کدام خاکساری ریخته
شد و خاک تیمار بر سر خراب آباد که بیخت بلبان خوش نغمه این بستان چرا دم بسته شدند» (۲ / ص ۹۷).

۱. Ambiguity

در جای دیگر در قالب جمله ندایی میگوید:

الغیث ای چرخِ دُن، کو صاحب عالی مَنش
صاحب آفاق شمس دین و دولت آنکه بود
آنکه می‌سازد نثار از خون دل چشم مَنش
روی دولت با فروغ از نور رای روشنش
(۱/ ص ۲۴۸)

بیان خبر: کتاب تاریخ و صَاف از جمله کتب تاریخی - ادبی است که ماهیت توصیف و جملات توصیفی در آن زیاد است. «در ادبیات توصیف را میتوان بازنمایی مصادیق عینی و ذهنی و زبان دانست مشروط به آنکه این بازنمایی در بستری از گفتمان ادبی انجام پذیرد. از جمله توصیفات بکار رفته در تاریخ و صَاف که بیشترین تمرکز نویسندگان بر آن است، توصیفات صریح و آشکار است. توصیفات ضمنی در جملاتی مستقل» (آذر تربت و همکاران، ۱۴۰۲: صص ۷ - ۸). بیشتر جملات ندایی در تاریخ و صَاف از نوع منادای ساده است که آنچه که مورد خطاب شاعر قرار گرفته تنها یک واژه و آن هم بصورت خبری است. مناداهایی مانند «دل» (۱ / ص ۱۴)، «باد» (۱ / ص ۹۹)، «دوست» (۳ / ص ۹۱)، «شاه» (۳ / ص ۱۳)، «چرخ» (۴ / ص ۱۲۸).

جملات خبری در ساختار توصیفی تاریخ و صَاف در خدمت اطناب کلام است و گزاره‌های توصیفی تصویری دقیق از شخصیتها، حالات، زمان، مکان و رخدادها و عواطف نویسنده ارائه میدهد. در تاریخ و صَاف جملات خبری و توصیفی رویکردی غالب در متن است چنانکه از بررسیهای آذری تربت و همکاران (۱۴۰۲) برمی‌آید بیشترین بسامد جملات در این اثر تاریخی - ادبی، گزاره‌هایی در خدمت توصیفات صریح و ضمنی در متن است در این میان آنچه در جملات ندایی نیز وجود دارد از این قاعده مستثنی نیست و تقریباً تمام شواهد مثال استخراج شده از تاریخ و صَاف، حاکی از گزاره‌های خبری در جملات ندایی است؛ از جمله نمونه‌هایی که در ادامه به آنها اشاره مینماییم:

از مشکل غمهای تو فریاد ای دل
آمد همه سعیها بر باد ای دل
(۱ / ص ۹)

ای باد اگرچه ناتوانی در بندگی خدایگانی
(۱ / ص ۹۹)

«سلجوقشاه به بالین مرقد مبارک مرشدی آمد و به یک صدمت دست، صندوق تربت بشکست و دور انداخت و گفت شیخا، کار به تنگ آمد و نام به ننگ بدل شد» (۲ / ص ۷۲).

ای فلک تا کی از جفاهایت چند از این گردش غم افزایش
(۳ / ص ۴۰)

در حقیقت نوع خطابهایی که نویسنده یا شاعر در اثر خویش استفاده میکنند، دریچه بسیار مهمی برای تبیین و فهم اندیشه‌های او و فهمش نسبت به جهان بیرون را مقابل دیدگان خواننده و مخاطب می‌گشاید. هنرمند بسته به میدان اهمیت و جایگاه امری که آن را مورد خطاب قرار میدهد و با او سخن را در میان مینهد، از انواع جملات در قالب ندا و منادا بهره میجوید. در تاریخ و صَاف مخاطب قرار دادن افراد و امور گوناگون، جملات گفتگو محوری هستند که زیرساخت آنها خبری است تا ارتباط کلامی میان مخاطب و گوینده در غیاب یکی از آنها در قالب این اطلاع رسانی که ذات و ماهیت متون تاریخی از یکسو و شیوه سخن‌پردازی متون نثر فنی و مصنوع را تحت الشعاع خویش قرار میدهد را در بر میگیرد:

کای شاه کمینه بندهات گردون باد خانیت تو چون طالعت میمون باد
(۱ / ص ۲۸)

ای دل تو چرا پیش ملامت سپری تا کی ره اندیشه به باطل سپری
(۱ / ص ۲۴۱)

بی‌شک جملات ندایی و خبری در القای توصیف و انتقال عواطف نویسنده تأثیر بسیاری بر جای می‌گذارد و احساس همدلی بین راوی و مخاطب را در متن تاریخی - ادبی تاریخ و صاف بیشتر می‌سازد.

درخواست و خواهش: یکی دیگر از اغراض ثانویه منادا، خواهش و التماس است. در بیان این مقصود، هنرمند، شاعر یا نویسنده انجام امری مطلوب را از ممدوح، معشوق، روزگار و... خواهان است. این قبیل معانی ثانویه اصولاً از جملات انشایی طلبی پس از منادا استنباط می‌شود:

الغیث ای چرخ دون کو صاحب عالی منش آنکه می‌سازد نثار از خون دل چشم منش
(۱ / ص ۲۴۸)

در این بیت نویسنده درخواستی ملتسانه از روزگار برای دنیا آمدن صاحب عالی منش دیگری دارد که اکنون از جهان رخت بر بسته:

صاحب آفاق شمس دین و دولت آنکه بود روی دولت با فروغ از نور رای روشنش
(همان)

ای وارث تاج و افسر سعد بخشای خدای را بجان و سر سعد
(۲ / ص ۱۹)

از این مورد تنها دو نمونه در ابیات و عبارات تاریخ و صاف بدست آمد.

توبیخ و سرزنش: از دیگر اهداف بلاغی جملات ندایی، توبیخ و سرزنش است. این نکوهش و توبیخ بیشتر در باب دل و با عبارت «ای دل» در تاریخ و صاف بکار رفته است و گاه در سرزنش و نکوهش روزگار و چرخ گردون؛ نمونه‌هایی از این دست:

«الغیث ای چرخ دون» (۱ / ص ۲۴۸).

«ای دل منشین به هرزه خاموش» (۱ / ص ۹۸).

«ای یار غار و هوشمند عاقل، مجازات روزگار نگر» (۳ / ص ۶۸).

«کای گردش چرخ چند آری و بری» (۱ / ص ۲۶).

«از مشکل غمهای تو فریاد ای دل» (۱ / ص ۹).

«تو اگر اینی که من میدانمت، ای چرخ نگذاری» (۴ / ص ۱۲۸).

«ای دل ز می طرب تهی شد جامت» (۴ / ص ۴۴).

«ای دل تو چرا پیش ملامت سپری» (۱ / ص ۲۴۱).

«ای فلک تا کی از جفاهایت» (۳ / ص ۴۰).

نمونه‌های دیگر:

ای که جویی دلیل معرفتش بچراغ، آفتاب میجویی؟!
(۴ / ص ۲۸۹)

«ای دل منشین به هرزه خاموش» (۱ / ص ۹۸).

یمن و خوشحالی: برخی دیگر از جملات ندایی در تاریخ و صاف بویژه در مدح ممدوح در معنای یمن، خوشحالی و تبرک است:

ای وارث تاج و افسر سعد
بخشای خدای را بجان و سر سعد
(۲ / ص ۱۹)

«کای حروف آفرینش را کمال توالف» (۱ / ص ۱۴)

«کای شاه کمینه بندهات گردون باد» (۱ / ص ۲۸).

«ای ز خاکت روشنایی چشم دوران یافته» (۴ / ص ۱۰۳).

«نمودی ای بت سیمین بهار شفتالو» (۴ / ص ۲۸).

«پارا می ناب و شادی افزای بده» (۴ / ص ۲۶).

«ای چتر تو در سایه گرفته خور و ماه» (۴ / ص ۱۴۲).

«ای سایه حق، جام چو خورشید بخواه» (۴ / ص ۱۴۲).

«ای زلف تو صد حلقه و بر حلقه دو صد خم» (۴ / ص ۳۸۴).

«شاهای زمین بقوت اقبال ملک ممکن بود» (۳ / ص ۱۳).

«ای زنده به سعی قلمت جان ممالک» (۳ / ص ۱۶۱).

«ای به صفت آب حیات» (۲ / ص ۶۴).

«ای ز خاکت روشنایی چشم دوران یافته» (۴ / ص ۱۰۳).

این یمن و خوشحالی در معنای ثانویه خود تکریم و تشرف را نیز پنهان دارد.

تقاضا: یکی دیگر از معانی ثانویه ندا و منادا تقاضا و درخواست است که در آن گوینده، خواست خود را نسبت به مخاطب یا امری بازگو میکند؛ نمونه‌هایی از این قبیل:

«ای ناله همدمی کن و ای اشک هم‌رهی» (۴ / ص ۱۰۶).

«جهان پناه، توحید را به توکل که حسنه‌ای از حسنات الله است، آراسته دار تا بشجره سخره سخنسرایان به بار آید» (۴ / ص ۱۸۰).

در بیان اغتنام فرصت:

پارا می ناب و شادی افزای بده
آن دُرد بنید درد فرسای بده
(۴ / ص ۲۶)

تا چند خوری غم و کشی بار جهان
یکسان شمر ای دوست گل خار جهان
(۲ / ص ۹۱)

تشویق و ترغیب: در تاریخ و صاف، ندا و منادا صرفاً کارکرد نحوی یا خطاب مستقیم ندارند، بلکه در بسیاری از موارد حامل اغراض بلاغی هدایتی و تربیتی‌اند. و صاف با فراخواندن مخاطب — خواه به صورت صریح و خواه در قالب خطاب‌های عام و تمثیلی — نوعی فضای تعلیمی ایجاد میکند که غایت آن تشویق و ترغیب به کنش اخلاقی و عقلانی است. ندا در این بافت، ابزاری برای برانگیختن وجدان مخاطب و انتقال او از سطح دریافت خبری به ساحت تأمل و عمل است. خطابه‌ها، با تأکید عاطفی مخاطب را به دوری از فسق و فجور، عبرت‌گیری از بی‌اعتباری دنیا و پرهیز از غرور و غفلت و نمونه‌هایی ازین دست فرا میخوانند و بدین‌سان، ندا و منادا در تاریخ و صاف کارکردی اقناعی و انگیزشی می‌یابد:

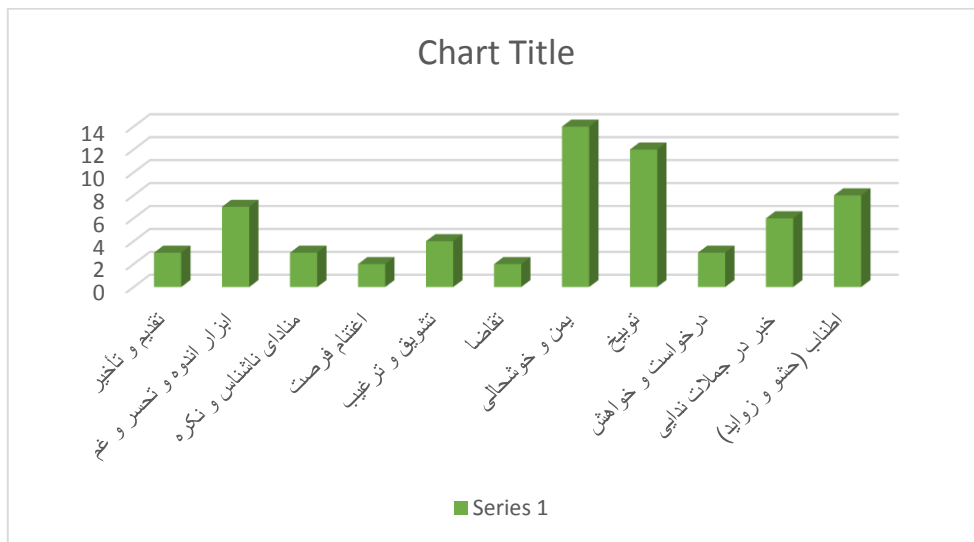
ای دل منشین به هرزه خاموش سالوس مخر، فسوس مخوش
(۱ / ص ۹۸)

«پس ای دل از این حالات و علّت، یکی اعتبار گیر و دیده بصیرت باز کن و ترک چندین نهمت و آز بگو» (۲ / ص ۱۴۱).

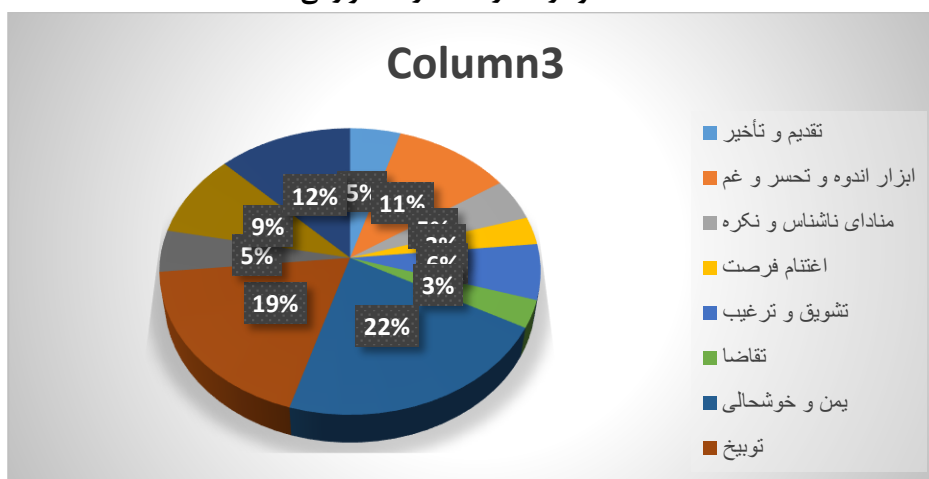
تا چند خوری غم و کشی بار جهان یکسان شمر ای دوست گل و خار جهان
(۳ / ص ۹۱)

«دیگر هر آنکه بزرگتر به خرد، به زر کبر نخرد. دیگر، ای دل، نیک باز بین و به یک نازنین خرسندی شو» (۴ / ص ۴۰۳).

نمودار شماره (۱) معانی و اغراض بلاغی ندا و منادا در کتاب تاریخ و صّاف



نمودار شماره (۲) درصد فراوانی



نتیجه‌گیری و پایان بحث

جملاً انشایی طلبی یا ندا و منادا در تاریخ و صّاف در قالب معانی ثانوی متنوعی به کار رفته‌اند که نشان می‌دهد هدف نویسنده از آوردن منادا، تنها بهره‌گیری از یک سیاق نحوی دستوری نبوده است بلکه وی بقصد توجه به معانی ثانویه و مقاصد دیگر معنایی از ندا و منادا بهره جسته است. در حقیقت نویسنده بگونه‌ای هدفمند و آگاهانه از این موضوع در جهت گسترش ظرفیت معنایی و عاطفی متن تاریخی و افزایش ادبیت متن آن استفاده کرده است و ندا و منادا را فراتر از یک کاربرد دستوری و نحوی از طریق شگردهایی چون تقدیم و تأخیر آن، بکارگیری منادای نکره، تصریح یا حذف حرف ندا، خروج سنجیده از سیاق مألوف به جهت برجسته‌سازی موضوع مورد توجه قرار داده است. اغراض ثانویه ندا و منادا در تاریخ و صّاف شامل خبر، درخواست و خواهش، توبیخ و ملامت، ابراز شادمانی و اموری چون اغتنام فرصت، ترغیب و تشویق و تقاضا می‌باشد. تصریح حرف ندا در بیشتر موارد در میان نمونه‌های مستخرج در راستای اطناب که از ویژگی‌های نثر فنی، مصنوع و متکلف است، بکار رفته است. در مجموع میتوان گفت ندا و منادا در تاریخ و صّاف نه صرفاً ابزار خطاب بلکه سازوکاری بلاقی در جهت ساماندهی معنا و بازتاب عاطفه نویسنده را بر عهده دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه استخراج شده است. آقای دکتر برات محمدی راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر عباس باقی‌نژاد بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم زیبا آژیر پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه و مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) بویژه استاد اندیشمند و متواضع جناب دکتر امید مجد اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Amirkhanloo. Masoumeh (2018). "Stylistics of Idiomatic Sentences in Hafez's Ghazals". Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab). Year 11. Issue 1. Serial 39. pp. 43-58.

- Anvari. Hassan and Givi. Hassan (2016). Persian Grammar. 2 vols. 12th edition. Tehran: Fatemi, pp. 119-120.
- Azar Hazin. Mehdi and Miladi. Fereshteh (2019). "Comparison of the Rhetorical Function of Idioms in the Mysteries of Monotheism and the Raggedy Pillars Based on the Meta-Ideological Role". Kohnnameh Adab Parsi. Institute for Humanities and Cultural Studies. Two Scientific-Research Quarterly Journals. Year 10. Issue 1. pp. 3-37.
- Azari-Torbat. Fatemeh et al. (2019). "Investigation of structural techniques and content of description in historical texts, case study: Tarikh Jahangosha and Tarikh Wassaf al-Hadra". Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab). Volume 16. Serial 89. pp. 10-17.
- Bahar. Mohammad Taqi (1977). Stylistics. Third edition. Tehran: Amir Kabir, p. 100.
- Pournamdarian. Taqi (2008). "Rhetoric and Dialogue of the Text". Literary Criticism. Issue 1. pp. 11-37.
- Jorjani. Abdul Qahir (2004). Reasons for the Miracles in the Quran. Translation and Summary: Seyyed Mohammad Radmanesh. Tehran: Shahnameh Pajoohi, pp. 38-39.
- Khayampour. Abdul Rasool (2005). Persian Grammar. Fourteenth edition. Tabriz: Sotoudeh.
- Rajai. Mohammad Khalil (2013). Ma'alem al-Balagha in the science of meanings, speech and originality. Fourth edition. Shiraz: Shiraz University Publishing Center, pp. 160-161.
- Rastegar-Fasaei. Mansour (2001). Types of Persian prose. Tehran: Samat, p. 158.
- Razavi. Seyyed Abul-Fazl. Hojabrian. Hossein (2021). "Criticism and study of the book Life, Time and Historiography of Wassaf Shirazi". Critical research journal of humanities and cultural studies texts and programs, Scientific Monthly. Year 21. No. 21. pp. 145-166.
- Shari'at. Mohammad Javad (1996). Persian grammar. Seventh edition. Tehran: Asatir, p. 33.
- Shafaii. Ahmad (1984). Scientific foundations of Persian grammar. Tehran: Novin, p. 89.
- Safa. Zabihullah (2022). History of literature in Iran. Eight volumes. Twenty-second edition. Tehran: Ferdows, p. 1261.
- Safavi. Kourosh (2015). From Linguistics to Literature. Vol. 1. Fifth edition. Tehran: Surah Mehr, p. 35.
- Irfan. Hossein (2004). Borders (Explanation and Persian Translation of the Brief Dictionary of the Meanings). Two volumes. Fourth edition. Qom: Hijrat, p. 346.
- Alavi Moghadam. Mohammad and Ashrafzadeh. Reza (2008). Meanings and Expression. Tehran: Samt, pp. 58-66-67-71.

- Alizadeh. Nasser and Roohi Kiasar. Azam (2019). "Rhetorical Aspects of the Syntactic Element of Neda in the Poems of the Third Brothers". Journal of Linguistic and Rhetorical Studies. Year 11. No. 21. pp. 275-300.
- Qasemzadeh. Seyyed Ali and Hatami. Saeed (2011). "Intertextual Analysis of Literary Features of the Prose of the History of the World Explorer and the History of the World Explorer". Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab). Year 4. Issue 4. Series 14. pp. 77-94.
- Garib. Abdol Azim and Others (1999). Persian Grammar (Five Masters). Second Edition. Tehran: Ferdows, pp. 44-57.
- Mohammadi. Masoumeh and Others (2017). "Criticism and Study of Neda in Persian and Arabic Rhetoric". Journal of Criticism and Rhetoric. Year 6. Issue 2. pp. 185-202.
- Mahmoudi. Azadeh and Jabbari. Najm al-Din (2024). "A Comparative Introduction to the Rhetorical Structures of Introduction and Delay in Literature and Calligraphy". Grammatical and Rhetorical Research. Volume 14. Issue 26. pp. 40-62.
- Moradi. Mohammad Hadi and Kazemi. Fatemeh (2016). "The Significance of Presentation and Delay in the Context of Negation and Affirmation from the Perspective of Abdul Qahir Jorjani". Research Journal of Literary Criticism and Rhetoric. Year 5. Issue 1. pp. 91-109.
- Natel Khanlari. Parviz (2003). Persian Grammar, 18th Edition. Tehran: Toos, p. 77.
- Wassaf (Shirazi). Shahab al-Din Abdullah (1959). Tarikh-e Vassaf (known as the Bombay edition: 1269 AH). Tehran: Ibn Sina and Jafari Tabrizi Library.
- _____ (2022). Analysis of Al-Amsar and Tajziyyah Al-Aasar (Tarikh-e Vassaf). By Ahmad Khatami. Six volumes. Tehran: Alam.
- Homaei. Jalal al-Din (1994). Meanings and Expression. Second edition. Tehran: Homa Publishing Company, p. 88.
- _____ (2012). Rhetoric and Literary Crafts. Thirty-second edition. Tehran: Sokhan (Homa Publishing Company), p. 10.

فهرست منابع فارسی

- امیرخانلو. معصومه (۱۳۹۷). «سبک شناسی جملات ندایی در غزلیات حافظ». فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال یازدهم. شماره اول. پیاپی ۳۹. صص ۴۳ - ۵۸.
- انوری. حسن و گیوی. حسن (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی. ۲ جلد. چاپ دوازدهم. تهران: فاطمی، صص ۱۱۹-۱۲۰.
- آذر حزین. مهدی و میلادی. فرشته (۱۳۹۸). «مقایسه کارکرد بلاغی ندا در اسرار توحید و مقامات ژنده پیل بر مبنای فرا نقش اندیشگانی». کهن نامه ادب پارسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دو فصلنامه علمی - پژوهشی. سال دهم. شماره اول. صص ۳ - ۳۷.

- آذری تربت، فاطمه و همکاران (۱۴۰۲). «بررسی شگردهای ساختاری و محتوای توصیف در متون تاریخی مطالعه موردی: تاریخ جهانگشا و تاریخ وصاف الحضرة». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۶. پیاپی ۸۹. صص ۱۰-۱۷.
- بهار. محمدتقی (۱۳۵۶). سبک‌شناسی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر، ص ۱۰۰.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۷). «بلاغت و گفتگوی متن». نقد ادبی. شماره ۱. صص ۱۱-۳۷.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۸۳). دلایل الاعجاز فی القرآن. ترجمه و تلخیص: سید محمد رادمشن. تهران: شاهنامه پژوهی، صص ۳۸-۳۹.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی. چاپ چهاردهم. تبریز: ستوده.
- رجایی، محمد خلیل (۱۳۹۲). معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع. چاپ چهارم. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، صص ۱۶۰-۱۶۱.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۸۰). انواع نثر فارسی. تهران: سمت، ص ۱۵۸.
- رضوی، سیدابوالفضل. هژبریان. حسین (۱۴۰۰). «نقد و بررسی کتاب زندگی، زمانه و تاریخ نگاری وصاف شیرازی». پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماهنامه علمی. سال ۲۱. شماره ۲۱. صص ۱۴۵-۱۶۶.
- شریعت. محمدجواد (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی. چاپ هفتم. تهران: اساطیر، ص ۳۳.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین، ص ۸۹.
- صفا. ذبیح الله (۱۴۰۱). تاریخ ادبیات در ایران. هشت جلد. چاپ بیست و دوم. تهران: فردوس، ص ۱۲۶۱.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۴). از زبان‌شناسی به ادبیات. ج ۱. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر، ص ۳۵.
- عرفان. حسین (۱۳۸۳). کرانه‌ها (شرح و ترجمه فارسی مختصر المعانی). دو جلد. چاپ چهارم. قم: هجرت، ص ۳۴۶.
- علوی مقدم، محمد و اشراف‌زاده. رضا (۱۳۸۷). معانی و بیان. تهران: سمت، صص ۵۸-۶۶-۶۷-۷۱.
- علیزاده، ناصر و روحی کیاسر. اعظم (۱۳۹۹). «جنبه‌های بلاغی عنصر نحوی ندا در اشعار اخوان ثالث». مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی. سال ۱۱. شماره ۲۱. صص ۲۷۵-۳۰۰.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و حاتمی. سعید (۱۳۹۰). «تحلیل بینامتنی مختصات ادبی نثر تاریخ جهانگشا و تاریخ وصاف». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال چهارم. شماره چهارم. پیاپی ۱۴. صص ۷۷-۹۴.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی (پنج استاد). چاپ دوم. تهران: فردوس، صص ۴۴-۵۷.
- محمدی، معصومه و دیگران (۱۳۹۶). «نقد و بررسی ندا در بلاغت فارسی و عربی». پژوهشنامه نقد و بلاغت. سال ۶. شماره ۲. صص ۱۸۵-۲۰۲.
- محمودی، آزاده و جباری. نجم‌الدین (۱۴۰۳). «درآمدی مقایسه‌ای بر ساختارهای بلاغی تقدیم و تأخیر در ادبیات و خوشنویسی». پژوهشهای دستوری و بلاغی. دوره ۱۴. شماره ۲۶. صص ۴۰-۶۲.
- مرادی، محمدهادی و کاظمی. فاطمه (۱۳۹۵). «دلالت تقدیم و تأخیر در سیاق نفی و اثبات از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی». پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت. سال ۵. شماره ۱. صص ۹۱-۱۰۹.
- نائل خانلری. پرویز (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی چاپ هجدهم. تهران: توس، ص ۷۷.

تحلیل و واکاوی اغراض بلاغی ندا و منادا در تاریخ و صاف / ۱۹

وصاف (شیرازی). شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۳۸). تاریخ و صاف (مشهور به نسخه بمبئی: ۱۲۶۹ هـ). تهران: کتابخانه ابن سینا و جعفری تبریزی.

_____ (۱۴۰۱). تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار (معروف به تاریخ و صاف). به کوشش احمد خاتمی. شش جلد. تهران: علم.

همایی. جلال‌الدین (۱۳۷۳). معانی و بیان. چاپ دوم. تهران: شرکت نشر هما، ص ۸۸.

_____ (۱۳۹۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ سی و دوم. تهران: سخن (شرکت نشر هما)، ص ۱۰.

معرفی نویسندگان

زیبا آذیر: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

(Email: zi.azhir@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0003-3185-4324)

برات محمدی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

(Email: barat.mohammadi@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-5138-6391)

عباس باقی‌نژاد: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

(Email: abbas.baghinejad@iauarmia.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-3342-8022)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ziba Azhir: Department of Persian Language and Literature, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.

(Email: zi.azhir@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0003-3185-4324)

Barat Mohammadi: Department of Persian Language and Literature, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.

(Email: barat.mohammadi@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-5138-6391)

Abbas Baghinezhad: Department of Persian Language and Literature, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.

(Email: abbas.baghinejad@iauarmia.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-3342-8022)